

Shared Ethics and Fraternal Sharing in the Post-Digital Condition

Hamed Taheri Kia¹

Received: May. 25, 2024

Accepted: Jan. 6, 2025

DOI: 10.22034/scm.2025.459210.1766

Abstract

In a surveillance political system, the credibility of knowledge production is crucial. Universities hold a privileged position in knowledge production, which they bestow upon professors, students, and graduates. This credibility stems from the knowledge production system itself. Knowledge must be produced under surveillance systems to maintain its claim to truth. Peer review and scientific observers are used to ensure the validity of books, scientific articles, student theses and dissertations, and research projects. This surveillance system operates around the concept of truth, with truth generated in scientific power structures and then used for surveillance over the populace. In the surveillance system, media is one-sided, with producers on one side and consumers on the other. However, in the digital realm, knowledge production and new media intertwine, with knowledge production taking place within new media and then disseminated. We call this the digital state, as it plays a major role in truth production. Shared knowledge ethics is driving us from the digital state to the post-digital era. The post-digital era should be seen as the era of shared knowledge cultures and the rise of shared ethics. In this article, we aim to build a theoretical framework for discussing shared knowledge cultures and shared ethics, focusing on the activities of humanities knowledge producers on the Instagram network. Based on the data, humanities knowledge producers on the Instagram social network are promoting a form of shared knowledge ethics that expands the collaborative system of knowledge production and dissemination.

Keywords: Post-digital, Shared Ethics, Control Society, Knowledge, Instagram

¹ Assistant professor, Institute for Social and Cultural Studies, Tehran, Iran. kia.erhut@gmail.com



سال سیزدهم / زمستان ۱۴۰۳

اخلاق اشتراک و فرهنگ‌های دانشی در وضعیت پسادیجیتال

• حامد طاهری کیا^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۰۳/۳/۵، تاریخ تایید: ۱۳۰۳/۱۰/۱۷

DOI: 10.22034/scm.2025.459210.1766

چکیده

شیوه‌های تولید دانش در نظام سیاسی نظارتی مبتنی بر دستیابی به اعتبار موقعیت مشروع تولید دانش است. دانشگاه‌ها دارای موقعیت مشروع تولید دانش هستند که آن را به استادان، دانشجویان و فارغ‌التحصیلان اعطا می‌کنند. دانش می‌بایست زیرسامانه‌های نظارتی تولید شود تا اعتبار آن بر داشتن ادعای حقیقت حفظ شود؛ بنابراین انواع داورها و ناظران علمی در بخش‌های تولید کتاب، مقاله‌های علمی، پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشجویی و پروژه‌های پژوهشی به کار گرفته می‌شوند تا فرایندهای علمی تولید دانش تضمین شوند. این نظام نظارتی بر اساس نظام حکومت‌مندی نظارتی است که بر محوریت ایده یا ایدئولوژی حقیقت عمل می‌کند. حقیقت در سامانه‌های قدرت علمی تولید می‌شود و با تبدیل به برنامه‌های نظارتی بر جمعیت به کار گرفته می‌شود. علاوه بر این، رسانه‌ها نیز در قالب سامانه‌های قدرت عمل می‌کنند به گونه‌ای که حقیقت را در قالب برنامه‌های شنیداری و دیداری برای مردم مخابره می‌کنند. در نظام نظارتی رسانه‌ها یک‌سویه هستند، چون نظام تولید فرم و معنا در یک سوی ایستاده است و در سوی دیگر احساسات دریافتی مردم قرار گرفته‌اند. یک‌سوی فرستنده و در سوی دیگر گیرنده حاضر است و این رابطه‌ای خطی است. اما در وضعیت دیجیتال که موقعیت جامعه کنترلی است، دو نظام تولید دانش و رسانه‌های نوین درهم‌تنیده می‌شوند. نظام تولید دانش درون رسانه‌های نوین حتی تولید می‌شود و سپس چرخش می‌یابد. وضعیت دیجیتال را نظام کنترلی می‌نامیم، زیرا میزان شدت بالایی از عوامل مختلف در تولید حقیقت نقش دارند و نظام کنترلی چرخشی به سوی تبلور جریان‌های حقیقت است. دوره‌ای جدید از نظام دانش و حقیقت شکل گرفته است که دوره پساحقیقت نامیده می‌شود و اخلاق اشتراکی دانش ما را از وضعیت دیجیتال به پسادیجیتال سوق می‌دهد. دوران پسادیجیتال را باید دوران فرهنگ‌های دانش اشتراکی و برآمدن اخلاق اشتراکی در نظر گرفت. در این مقاله ما در پی ایجاد طرح بحث نظری درباره فرهنگ‌های دانش اشتراکی و اخلاق اشتراکی هستیم که به فعالیت بعضی از کنشگران تولیدکنندگان دانش علوم انسانی در شبکه‌ی اینستاگرام خواهیم پرداخت. بر اساس داده‌ها، تولیدکنندگان دانش علوم انسانی در شبکه‌ی اجتماعی اینستاگرام شکلی از اخلاق اشتراکی دانش را رواج می‌دهند که نظام رفاقتی تولید و چرخش دانش را گسترش می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: پسادیجیتال، اخلاق اشتراکی، جامعه کنترلی، دانش، اینستاگرام.

^۱ استادیار موسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی kia.erhut@gmail.com

مقدمه

امکان اشتراک‌گذاری دانش در وضعیت دیجیتال، جزئی از ماهیت تولید دانش است. در وضعیت دیجیتال، دانش دیگر چیزی نیست که به صورت انحصاری در اختیار گروه خاصی قرار داشته باشد، بلکه می‌تواند به راحتی در میان همه به اشتراک گذاشته شود. در وضعیت دیجیتال، اهالی دانش نیز دیگر به صورت سنتی تعریف نمی‌شوند. آن‌ها دیگر نخبگان دانشگاهی یا متخصصان محدودی نیستند، بلکه همه کسانی هستند که به نحوی با تولید یا مصرف دانش در ارتباط هستند. گفتمان‌های دانش، چارچوب‌های معرفتی هستند که نحوه دیدن، بررسی و سنجش موضوع علم را مشخص می‌کنند (Foucault, 2002). آن‌ها به مثابه الگوهای فکری، نحوه تولید و توزیع دانش را تعیین می‌کنند. دستاوردهای علم درون این گفتمان‌ها به عنوان حقیقت پذیرفته می‌شوند و «رژیم‌های حقیقت» (Foucault, 1980: 133) را شکل می‌دهند. رژیم‌های حقیقت، مجموعه‌ای از هنجارها، ارزش‌ها و باورهایی هستند که در یک جامعه یا حوزه معرفتی خاص، به عنوان حقیقت پذیرفته می‌شوند. رژیم‌های حقیقت بدون متولی نمی‌توانند باشند. سامانه‌های قدرت در میدان علم، متولی این حقیقت‌ها هستند. آن‌ها با کنترل گفتمان‌های دانش، به طور غیرمستقیم بر تولید و توزیع دانش تأثیر می‌گذارند.

چگونه می‌توان به حقیقت‌هایی که علم ارائه می‌دهد اعتماد کرد؟ پاسخ به این پرسش در سامانه‌های قدرت نهفته است. سامانه‌های قدرت، امکان ظهور حقیقت را از طریق علم فراهم می‌کنند. دستاوردهای علمی پیش از آن که به عنوان حقیقت به جامعه معرفی شوند، باید آزمون‌های تأیید را پشت سر بگذارند. حضور داوران، ناظران و بررسی روش‌های پژوهش، برای کسب اعتبار ضروری است. این عوامل موجب می‌شوند تا میدان علم، پدیده‌ای را که از این آزمون‌ها سربلند بیرون می‌آید، به مثابه حقیقت معرفی کند. میدان علم، سامانه‌های قدرتی را ایجاد می‌کند که شامل شبکه‌ای از نیروهای انسانی و غیر انسانی برای تولید دانش هستند. این سامانه‌ها، کارکردهای تولید، آموزش و نشر علم را بر عهده دارند. بنابراین، رژیم تولید حقیقت، در درون سامانه‌های قدرت امکان‌پذیر می‌شود.

منابع دسترسی به علم کدامند؟ پاسخ به این پرسش، به سامانه‌های قدرت بازمی‌گردد. این سامانه‌ها، کانال‌های نشر علم را در اختیار دارند. مجله‌های علمی پژوهشی و ناشران کتاب‌ها، از جمله این سامانه‌ها هستند که وظیفه نشر علم را بر عهده دارند. این کانال‌ها، محدود، دارای هزینه و دسترسی به آن‌ها برای همگان، آسان نیست. آن‌ها مخاطب‌های ویژه‌ای دارند که عمدتاً

اهالی علم هستند. بنابراین، ما با کانال‌هایی روبه‌رو هستیم که حقیقت را نشر می‌دهند، اما دسترسی به آن‌ها برای عموم مردم، دشوار است. این امر، پرسش دیگری را پدید می‌آورد: چگونه اهالی علم می‌توانند از علم برای جامعه سخن بگویند؟ چگونه می‌توانند علم را با جامعه در میان بگذارند؟ پاسخ به این دو پرسش، محوریت این مقاله را تشکیل می‌دهند. در این مقاله، ما به سراغ اهالی علوم انسانی در ایران رفتیم که شرایط در میان گذاشتن علوم انسانی را با جامعه، تجربه می‌کنند. هدف ما این است که موقعیت به اشتراک‌گذاری علوم انسانی با جامعه را، مبتنی بر شکل‌گیری اخلاق اشتراکی را در تنیدگی با فناوری دیجیتال، بررسی کنیم.

ادبیات پژوهش

چگونه می‌توان درباره اشتراک علم با جامعه اندیشه کرد؟ چگونه می‌توان این موقعیت را به موضوع پژوهش تبدیل کرد؟ این دو پرسش، ما را به سراغ پژوهش‌هایی درباره مطالعه علم در ایران و پیوند آن با جامعه می‌برند. اما پژوهش‌های انجام‌شده، نشان می‌دهد که امکان پیوند علم با جامعه در ایران، موضوع پژوهش چندانی نبوده است. پرسش مهم این است که چگونه می‌توان علم را به دانش همگانی تبدیل کرد؟ چگونه دانش را می‌توان در قالب دارایی عمومی درآورد؟ موقعیت دسترسی همگانی به دانش، شرایطی است که تعریف کار را تغییر می‌دهد و نظام تولید دانش را متحول می‌کند. آیا دانشگاه ایرانی توانسته است درون موقعیتی قرار بگیرد که شرایط تبدیل علم به دانش به‌مثابه دارایی عمومی را شکل دهد؟ پاسخ به این پرسش، نیازمند پژوهش‌هایی است که حول این پرسش‌ها شکل گرفته باشند. اما فقدان چنین پژوهش‌هایی نشان می‌دهد که ما درباره تبدیل علم به دارایی عمومی بی‌توجه بوده‌ایم. شکل نگرفتن چنین پژوهش‌هایی، نشان‌دهنده حکمرانی کسب در میدان علم در ایران است. در حکمرانی کسب، علم به‌عنوان کالایی در نظر گرفته می‌شود که باید برای فروش آماده شود. در این شرایط، علم به‌عنوان دارایی عمومی در نظر گرفته نمی‌شود و دسترسی همگانی به آن، دشوار یا غیرممکن می‌شود.

همچنین، مسئله‌ی دانش به‌مثابه دارایی عمومی در وضعیت دیجیتال اهمیت پیدا کرده است. (Jandrić et al., 2018) چندین سال است که «مفهوم‌سازی دانشگاه دیجیتال» (جانستون و همکاران، ۱۴۰۲) در قالب پروژه‌ای برای گسترش دانش و خارج ساختن دانشگاه از کالایی شدن آن در نظام نئولیبرالیسم است. بدین‌سان پیوند دانشگاه و وضعیت دیجیتال قالب اصلی

گفت‌وگو بر سر دانش به‌مثابه دارایی عمومی را شکل داده است. تبدیل دانش به دارایی عمومی و خروج دانشگاه از درها و دیوارهای دانشگاه به بیرون یا خروج دانش از موقعیت محلی به وضعیت جهانی منجر به ایجاد مفهوم پسادیجیتال در حوزه‌ی دانش شده است (Knox, 2019). تا همین‌جا ما شاهد ظهور ادبیات نظری گسترده‌ای درباره گذار ماهیت دانش و میدان علم از پسادیجیتال به پسادیجیتال هستیم. بنابراین پرسشی پیش می‌آید که جایگاه دانش، میدان علم و دانشگاه ایرانی کجاست؟ چرا ما شاهد بروز این ادبیات درباره جامعه‌ی ایران در وضعیت دیجیتال نیستیم؟ فقر پژوهشی گسترده‌ای در این زمینه وجود دارد که نشان از عقب‌ماندگی سامانه‌های قدرت در میدان علم و عدم ایجاد فرهنگ اشتراکی در وضعیت دیجیتال برای تبدیل دانش به دارایی عمومی است. در اینجا است که باید به موقعیت اخلاق اشتراکی در میدان علم و دانش به‌مثابه دارایی عمومی توجه کنیم.

درآمد نظری

اسپینوزا ظرفیت نیروهای شکل‌دهنده هستی را در داشتن ظرفیت تأثیرگذاری و تأثیرگیری تعریف می‌کند (Boler & Zembylas, 2016: 22). ظرفیت تأثیرگذاری و تأثیرگیری شرایطی است که نیروها دارای ماهیت پنجره‌های گشوده هستند. پنجره‌های گشوده ویژگی هستند که نیروها می‌توانند از میان آن‌ها خود را در حضور دیگران بیان کنند و دیگران هم دارای پنجره‌های گشوده‌ای هستند که موج‌های این بیانگری را دریافت می‌کنند. حضور در میان دیگران اهمیت فراوانی دارد، زیرا هر نیرویی در شبکه‌ای از پیوندها با دیگر نیروها قرار می‌گیرد. شبکه‌ای از نیروهای درهم‌تنیده شده با پنجره‌های گشوده که دارای ظرفیت تأثیرگذاری و تأثیرگیری هستند.

از این‌رو، هر موقعیت محلی در تنیدگی با کلیت شبکه قرار دارد. هر موقعیت محلی تحت تأثیر نیروهای موجود در کلیت شبکه قرار می‌گیرد. هر پدیده در شبکه از دو موقعیت ذره و موج تشکیل شده است. پدیده در موقعیت محلی‌اش، ذره‌ای است که توان بیان‌گری دارد و چگونگی بیانگری آن در قالب تأثیری است که بر پدیده دیگر می‌گذارد. تأثیرها مانند موج عمل می‌کنند. قدرت تأثیرگذاری پدیده موجی است که درون شبکه گسترده می‌شود. شدت گسترش موج بر اساس شدت بیانگری پدیده است. درون شبکه جریانی از موج‌ها وجود دارد که

درون همدیگر فرو می‌روند و جریان می‌یابند. این ویژگی ذره-موج، ماهیت شبکه را به ماهیت کوانتومی تبدیل می‌کند.

درون شبکه نظام اثرگذاری و دریافت وجود دارد. اثرگذاری و دریافت درباره شرایطی است که می‌توان به موقعیت‌ها شکل داد و شکل گرفت. شکل دادن و شکل گرفتن موجب می‌شود تا شبکه در فرایندی از شدن قرار بگیرد. شبکه در حال شدن (Deleuze & Guattari, 1987: 1) است. از دوره‌ای به دوره‌ای دیگر گذار می‌کند (Bergson, 2001: 102). انباشت دوره‌ها تاریخ را می‌سازند و فرایند شدن را در تاریخ نشان می‌دهند. تاریخ مجموعه‌ای از تبدیل موقعیت‌ها به یکدیگر است. تاریخ دارای ماهیت توپولوژیکال است. توپولوژی علم ریاضی برای تبدیل اشکال هندسه از حالتی به حالتی دیگر است بدون آن که درون شکل گسستی رخ دهد. گسست مانند موقعیت مرگ است که رابطه به‌طور قطعی گسست پیدا می‌کند. اما در توپولوژی که بر اساس دگرگونی است پدیده گسست قطعی نمی‌یابد بلکه نظام ارتباطی آن از موقعیتی به موقعیت دیگر تبدیل می‌شود. نیروهای تاریخ از حالتی به حالت دیگر تبدیل می‌شوند و دوره‌های تاریخی را شکل می‌دهند. نیروهای تاریخ در دوره قبل بر روی نیروهای شکل‌دهنده دوره بعدی تأثیر می‌گذارند. این موج تأثیرگذاری از دوره‌ای به دوره دیگر حاکی از ویژگی ماهیت توپولوژیکال حرکت تاریخ است.

درون شبکه ارتباطی پدیده از دو موقعیت ذره و موج (Trnka & Lorencová, 2016: 20) تشکیل شده است. ذره قسمتی از پدیده است که جرم آن را تشکیل می‌دهد و موج قسمتی است که پدیده بر روی پدیده دیگر تأثیر می‌گذارد. هر ذره دارای ویژگی‌هایی است که آن ویژگی‌ها وقتی در پیوند با ویژگی‌های ذرات دیگر قرار می‌گیرند موج‌های برهم تأثیرگذار را شکل می‌دهند. وقتی ذره-موج درون هم تنیده می‌شوند ماهیت پدیده را شکل می‌دهند. درون نظام شبکه ارتباطی، هر ذره در پیوند با ذرات مجاورش دارای موج تأثیرگذاری است و موج‌های تأثیرگذاری درون همدیگر تنیده می‌شوند.

هر ذره خودش را به‌واسطه موج‌های تأثیرگذاری که تولید می‌کند گسترش می‌دهد. هر ذره در جایی از شبکه قرار دارد اما موج‌های تأثیرش درون شبکه گسترش می‌یابند به‌مانند اینکه ذره درون بخش‌های مختلف شبکه وجود دارد. شبکه به‌واسطه موج‌های تأثیر تغییر پیدا می‌کند و دوره‌های مختلف تاریخی را طی می‌کند. هر ذره به‌واسطه ظرفیتش برای تولید موج‌های تأثیرگیری و دریافت موج‌های تأثیرگذار با کلیت شبکه در پیوند است. هر ذره کلیتی از شبکه را

درونش نهفته دارد. پیوند ذره و شبکه از نوع درون جریان (Deleuze, 2001) است. کلیت شبکه و ذره درون همدیگر جریان دارند.

شبکه و ذره درون همدیگر جریان دارند یعنی ذره بر وضعیت شبکه تأثیر می‌گذارد و این تأثیرگذاری مسئله اخلاق را به میان آورد. ذره و شبکه در حضور یکدیگر و در برابر همدیگر مسئول هستند و این مسئولیت بار اخلاقی را به وجود می‌آورد. ما در شبکه از دو نوع اخلاق صحبت می‌کنیم: ۱. اخلاق عمیق؛ ۲. اخلاق سطحی^۱. اخلاق عمیق درباره شیوه‌های رفتاری است که تبدیل به ساختار شده‌اند و درون ساختار امکان پیاده کردن اخلاق عمیق وجود دارد. اخلاق عمیق به تعهد سازمانی نیاز دارد. اخلاق عمیق به یک وضعیت گفتمانی در تاریخ وفادار است و دگرگونی در آن به دشواری انجام می‌شود. اما اخلاق سطحی دارای امکان‌های حرکتی و دگرگونی بیشتری است. اخلاق سطحی دارای ظرفیت تجربه‌پذیری و تجربه‌گرایی است.

اخلاق سطحی قالب اخلاق کوچ‌گر (Deleuze & Guattari, 2005: 351) را دارد. کوچ‌گر دارای اخلاق تأثیرگذاری و تأثیرگیری است. کوچ‌گر سعی می‌کند در حرکت از موقعیتی به موقعیت دیگر بر آن تأثیر بگذارد و از آن تأثیر بگیرد. بنابراین، اخلاق سطحی شرایط بحث را بر سر مسئله وضعیت تاریخ و گذار آن از دوره‌ای به دوره‌ای دیگر به وجود می‌آورد. اخلاق سطحی نزدیک به موقعیت‌های ممکن است که رخداد‌های دگرگون‌کننده را ایجاد می‌کنند. اخلاق سطحی در سطح نزدیک به خلق موقعیت‌های متفاوت است. موقعیت‌های متفاوت که ماهیت آینده را شکل می‌دهند. آینده برای متفاوت بودن نیاز به اخلاقی دارد که ظرفیت رویارویی با موقعیت متفاوت را داشته باشد. اخلاق عمیق چنین ظرفیتی را ندارد بنابراین اخلاق عمیق نیاز به نیروهایی دارد که بدون سازمان، خودشان را در موقعیت بی‌اخلاقی و بربریت و نابودی و اضمحلال دریافت کنند؛ به‌مانند حکومت‌ها که مردم را بدون وجود خودشان در حالت هرج‌ومرج و نابودی می‌بینند (Badiou, 2013: 23).

اخلاق عمیق نیروها را برای خود می‌خواهد اما اخلاق سطحی نیروها را در معرض دیگر نیروها قرار می‌دهد و امکان‌های پیوند با دیگری را فراهم می‌کند. اخلاق سطحی شرایط گشودن پنجره‌ها به سوی یکدیگر را ایجاد می‌کند. درون شبکه اخلاق سطحی اهمیت دارد، زیرا وقتی ذره‌ای موج بیانگری را می‌فرستد ذره‌ای دیگر می‌تواند آن موج را دریافت کند. اخلاق

¹ Morality

² Ethics

تأثیرگذاری و اخلاق تأثیرگیری شرایط حضور در شبکه است. شبکه دارای ماهیت کوانتومی است (Barad, 2014) و ذره-موج‌ها درون آن موقعیت هر پدیده را دستخوش دگرگونی می‌کنند. ذره‌ای در یک جایی از شبکه قرار دارد اما به واسطه موج‌های تأثیرگذاری می‌تواند در جایی دیگر تأثیرگذار باشد. اخلاق کوچ‌گر در اینجا معنی پیدا می‌کند که پدیده درون شبکه گسترانیده می‌شود.

بر این اساس، وقتی یک دانشمند، استاد دانشگاه، یا پژوهشگر درون شبکه قرار می‌گیرد به‌مثابه ذره‌ای عمل می‌کند که می‌تواند در حضور ذرات دیگر بر روی آن‌ها تأثیر بگذارد. ذره-موج بر روی هم یک نیرو را تشکیل می‌دهند. نیروها دارای ظرفیت بیانگری و تأثیرگذاری هستند. بنابراین، کنشگران علمی می‌توانند نیرویی باشند که دانش را درون شبکه گسترش و آن را به موقعیت‌های عمومی تبدیل می‌کنند. بنابراین، ما در ادامه تصمیم داریم تا موقعیت گسترش دانش درون شبکه ارتباطی و شکل‌گیری اخلاق کوچ‌گری را توسط کنشگران علوم انسانی بررسی کنیم.

روش پژوهش

این مقاله در پارادایم پسانسان‌گرایی (Braidutti, 2019) قرار می‌گیرد. در این پارادایم ما ترکیب نیروهای انسانی و غیر انسانی را در قالب شبکه‌ای می‌بینیم که به آن هموندگان^۱ (Delanda, 2016) می‌گوییم. هموندگان مجموعه‌ای درهم‌تنیده از نیروهای مختلف و متفاوت است که بدنی بدون ارگان (Deleuze & Guattari, 2005: 149) را شکل می‌دهند. بدن بدون ارگان موقعیتی است که نیروها در پیوندهای موقت با یکدیگرند و شرایط حرکت و تحول برای آن‌ها وجود دارد. در رابطه با مفهوم بدن بدون ارگان، ارگان‌یسم در اینجا منظور تعهد سخت و عمیقی است که نیروها به جایگاه تاریخی‌شان دارند و برای ایجاد شرایط تحول آمادگی پایین دارند. بنابراین، هموندگان شبکه‌ای از نیروها است که امکان‌های تولید موقعیت‌های متفاوت را دارند.

در پارادایم پسانسان‌گرایی، عمل کنشگر علمی در تولید و نشر دانش را شرایط امکان تأثیرگذاری و ایجاد موقعیت‌های متفاوت می‌دانیم. در وضعیت دیجیتال، نیروهای فناوری درهم‌تنیدگی با نیروهای انسانی، شرایط تولید و نشر اطلاعات را فراهم آورده‌اند. کنشگران علمی، نیروهای انسانی هستند که در پیوند با نیروهای فناوری، شرایط تولید دانش به‌مثابه

¹ Assemblage

دارایی عمومی را ایجاد می‌کنند. برای این منظور، ما به سراغ کانال‌های تلگرامی و صفحات اینستاگرام کنشگران علوم انسانی در حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی رفتیم که بر اساس حوزه‌های علمی خود، برای مخاطبان امکان‌های دست‌یابی به دانش را فراهم می‌کردند. ما به صورت هدفمند، پست‌هایی را از اینستاگرام و تلگرام انتخاب کردیم که هدف تولید دانش برای مخاطبان در آن‌ها وجود داشت. با جمع‌آوری ۳۰ پست، به بررسی چگونگی موقعیت‌هایی پرداختیم که کنشگران علمی شیوه‌ی اشتراک دانش را رقم می‌زدند. سپس، نمونه‌هایی از آن‌ها را انتخاب کردیم و در پیوند با موقعیت تحلیلی قرار دادیم. شیوه تحلیل ما، از نوع تحلیل ریزوماتیک (Masny, 2016) بود که در آن، خلق مفاهیم برای ایجاد موقعیت‌های تحلیل تودرتو اهمیت دارد. در تحلیل ریزوماتیک ما مجموعه‌ای از کدها را نداریم که از قبل وضعیت تحلیل را مشخص کنند، بلکه در هنگام نوشتن تحلیل مفاهیمی که در پیوند با داده‌ها خلق می‌شوند جریان‌های تحلیل را شکل می‌دهند.

ارگانیسم‌های سایبری

بیانگری

دانش به‌مثابه دارایی عمومی

اخلاق اشتراک

گشودگی رادیکال

اخلاق سطحی

خرد جمعی

فرهنگ‌های دانش

شکل ۱. تصویر پراکندگی مفاهیم خلق‌شده بر اساس میزان به‌کارگیری آن‌ها درون‌متن.

اخلاق اشتراک و تولید فرهنگ‌های دانشی

ما در شرایط پسادیجیتال^۱ هستیم. وضعیت پسادیجیتال نه شرایط غایی دیجیتالیزه شدن زندگی اجتماعی بلکه پسادیجیتال را می‌بایست وضعیتی در میان دیجیتالیزه شدن زندگی اجتماعی و آینده در نظر گرفت (Knox, 2019: 560). وضعیت پسادیجیتال شرایط در هم تنیدگی نیروهای انسانی با نیروهای فناوری است که شرایط پدید آمدن فناوری و زندگی

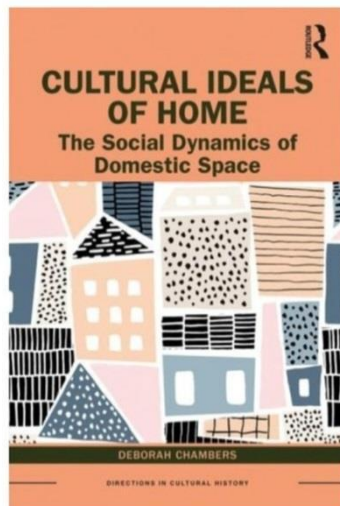
^۱ Postdigital

دیجیتالی را پشت سر گذاشته و به سوی آینده‌ای متفاوت حرکت می‌کند. پسادیجیتال بیشتر مفهومی برای بررسی وضعیت تنیدگی میان نیروهای انسانی و نیروهای فناوری دیجیتال است. پسادیجیتال اشاره به موقعیتی است که ما با آثار دیجیتالی‌زده شدن زندگی اجتماعی رویارو شده‌ایم. بنابراین وضعیت پسادیجیتال علاوه بر اشاره به یک دوره تاریخی دارای ابعاد انتقادی هم هست. فولر^۱ وضعیت پسادیجیتال را شرایطی می‌داند که ما از دیجیتالی‌زده کردن ارگانیسم (ضبط مشخصات و وضعیت سلامت بدن) به تولید ارگانیسم‌های دیجیتالی (بدن‌های سایبری) گسترش پیدا کرده‌ایم (Fuller, 2018: 215). ارگانیسم‌های دیجیتالی یا سایبری در شرایطی رخ می‌دهند که فناوری دیجیتال بر وضعیت تسلط دارد. درون فناوری دیجیتال حیات سایبری ممکن شده است. از این رو، آنچه را ما در قالب زندگی شبکه‌ای، در بخش قبل، نظریه‌پردازی کردیم درون وضعیت دیجیتال ممکن شده است.

ارگانیسم‌های سایبری درون شبکه‌ای از نیروهای انسانی و دیجیتالی حیات پیدا کرده‌اند. بنابراین، آنچه بین ارگانیسم‌های سایبری ردوبدل می‌شود دارای قابلیت تبدیل شدن به کدهای دیجیتال است. فایل‌های دیجیتالی شرایط بیانگری را برای ارگانیسم‌های سایبری به وجود آورده‌اند. فایل‌های صوتی، تصویری و متن سه قالب مهم در ایجاد اطلاعات از سوی هر ذره به سوی ذره دیگر هستند. پس آنچه ما کنشگران علوم انسانی ایرانی در شبکه دیجیتالی می‌نامیم درباره ارگانیسم‌های سایبری است.

ویژگی ارگانیسم‌های سایبری این است که خودشان را درون شبکه‌های ارتباطی بیان می‌کنند. بیانگری به واسطه تولید و اشتراک اطلاعات انجام می‌شود. در تصویر ۱، فردین علیخواه (جامعه‌شناس) تصویری از یک کتاب انگلیسی در حوزه مطالعات فرهنگی و زندگی روزمره به اشتراک می‌گذارد. این کتاب درباره مطالعه زندگی روزمره درون خانه است و او این کتاب را برای مخاطب‌ها توضیح می‌دهد. اهمیت عمل اشتراک‌گذاری علیخواه این است که در مقام یک کنشگر علمی دانشگاهی دسترسی به کتاب‌های خارجی دارد، علاوه بر اینکه از توانایی بررسی و تحلیل آن‌ها برخوردار است. پس او می‌تواند دانش را از کتاب تولید کند و برای مخاطب‌هایش به اشتراک بگذارد. زمانی که او کتاب انگلیسی پیشنهادی را توضیح می‌دهد به تولید موقعیت دانش به‌مثابه دارایی عمومی کمک می‌کند.

¹ Fuller



and 172 others

fardinalikhah .

ایده‌آل‌های فرهنگی خانه
پویایی اجتماعی فضای خانگی

خانه، یکی از عرصه‌های جالب و مهم مطالعات اجتماعی و فرهنگی است. این کتاب در سال دو هزار و بیست توسط راتلج منتشر شده است. در این کتاب جامپرز به جنبه‌های مختلف خانه می‌پردازد که از جمله آن می‌توان به جنسیت، رسانه، طراحی، پرستش، جایجایی خانه و غیره اشاره کرد. بخشی از صفحات کتاب نیز به بررسی معنای خانه اختصاص دارد.

دوستانی که دستی در ترجمه دارند می‌توانند ترجمه آنرا بررسی کنند.

View all 4 comments

3 days ago · See translation

تصویر ۱. معرفی و توضیحی از یک کتاب انگلیسی درباره زندگی روزمره در خانه. صفحه اینستاگرام فردین علیخواه (جامعه‌شناس)

ما در انگلیسی مفهوم زین^۱ (Atton, 2002: 54) را داریم. زین درباره نشر دادن محتوا توسط یک فرد برای جمعیت است. زین عمل کپی و نشر دادن تصاویر یا متن‌هایی است که بین ۱۰۰۰ تا ۵۰۰۰ نسخه را دربرمی‌گیرند. در وضعیت پسادیجیتال هر کنشگر علمی می‌تواند درون شبکه‌های جریانی از تولید محتوا را با هدف تولید دانش ایجاد کند که حتی بیش از ۵۰۰۰ هزار بار چرخش پیدا می‌کند. ارگانیزم سایبری به‌مثابه یک ماشین زین عمل می‌کند. در تصویر ۲، انسان‌شناسی به نام حامد وحدتی‌نسب تصویری را به اشتراک می‌گذارد با این مضمون

¹ Zine

که در حال تولید پادکست‌هایی است که در مبارزه با کژفهمی‌های علمی قرار می‌گیرند. او می‌خواهد درباره کژفهمی‌های علمی دانش تولید کند و آن را در قالب دارایی عمومی، با ویژگی دسترس‌پذیری، عرضه کند. او انواع مختلفی از فایل‌های اطلاعاتی را تولید می‌کند: تصویر، متن، صوت. پست اینستاگرامی دارای فایل تصویری و کپشن دارای توضیح متنی است به همراه فایل‌های صوتی که قرار هستند تولید شوند. این‌ها شیوه‌های بیانگری کنشگر علمی هستند که در تنیدگی با نیروهای فناوری دیجیتال در قالب ماشین زین عمل می‌کنند.



مدتی است با کمک فرهاد ارکانی گرامی مشغول تدوین اپیزودهایی کوتاه (عمدتاً زیر ۵ دقیقه) جهت توضیح برخی مقوله‌ها با نام «کژفهمی‌های علمی» هستم. تا کنون ۷ اپیزود منتشرشده که برای شنیدن آن‌ها می‌توانید به کانال تلگرامی «خوانش کتاب برای انسان خردمند» سری بزنید:

<http://T.me/Homosapiensfa>

همچنین از صفحه خود فرهاد ارکانی عزیز هم می‌توانید به لینک کانال دسترسی پیدا کنید:

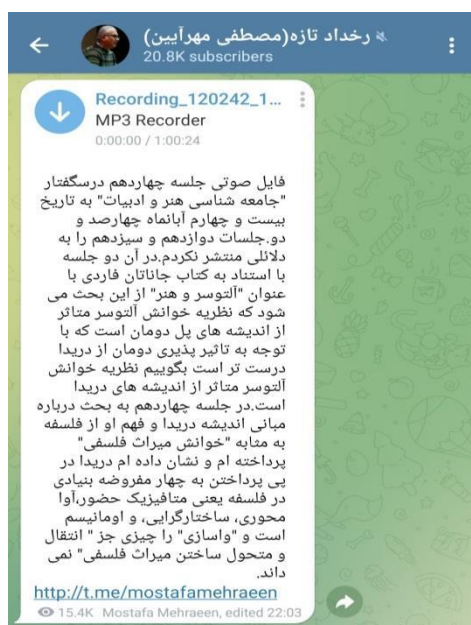
[@farhad.a.55](https://www.instagram.com/farhad.a.55)

تصویر ۲. معرفی کانال تلگرامی برای تولید محتوا با هدف مبارزه با کژفهمی‌های علمی. صفحه اینستاگرام حامد وحدتی‌نسب (انسان‌شناس).

همچنین، در تصویر بالا نویسنده لینک کانال تلگرامش را می‌گذارد، زیرا فایل‌ها قرار است در آنجا بارگذاری شوند. از اینستاگرام به تلگرام لینک برقرار می‌شود. هایپرلینک (Berry, 2015: 50) در وضعیت پسادیجیتال به‌شدت پیوندها و امکان‌های تبدیل شدن به یکدیگر اشاره دارد.

اینستاگرام به تلگرام وصل می‌شود و با یک کلیک مخاطب از اینستاگرام به تلگرام می‌رود یا با یک کلیک اینستاگرام را به تلگرام تبدیل می‌کند. توپولوژی در اینجا رخ می‌دهد: دگرگونی از اینستاگرام به تلگرام یا از تلگرام به یوتیوب رخ می‌دهد و از هر کدام از این شبکه‌های اجتماعی به لینک فایل شنیداری قابلیت دسترسی وجود دارد. با کلیک بر روی هر لینک مناسبات توپولوژیکال رخ می‌دهد، دگرگونی از موقعیتی به موقعیت دیگر بدون اینکه در شبکه ارتباطی گسستی رخ دهد.

در نظام شبکه‌ای، قابلیت تولید دانش به‌مثابه دارایی عمومی مطرح می‌شود. در شبکه‌ی دیجیتال، دریافت‌کنندگان اطلاعات تحت تأثیر نیروهای دانش قرار می‌گیرند. کنشگران علمی درون شبکه‌های ارتباطی دیجیتال مانند ذره‌هایی هستند که خود را با ارسال فایل‌های صوتی، تصویری و متن دانش گسترش می‌دهند. دریافت‌کنندگان فایل‌های دانش نیز ظرفیت تأثیرپذیری از این فایل‌ها را دارند. در تصویر ۳، مصطفی مهرآیین یکی از شرح‌دهنده‌های این فایل صوتی درون کانال تلگرامش به اشتراک می‌گذارد. این اشتراک‌گذاری برآمده از میل به اشتراک‌گذاری رفاقتی دانش برای بیرون آوردن آن از دارایی شخصی به دارایی عمومی است.



تصویر ۳. به اشتراک‌گذاری فایل‌های درس گفتار. کانال تلگرام مصطفی مهرآیین (جامعه‌شناس)

اشتراک رفاقتی دانش برای تبدیل آن به دارایی عمومی، ما را به مفهوم اخلاق اشتراک پیوند می‌زند. اخلاق اشتراک، درباره به اشتراک گذاشتن خود با دیگری است. در وضعیت پسادیجیتال، به اشتراک گذاشتن خود، معادل بیانگری درون شبکه و گسترش آن است. موج‌های اطلاعات درون شبکه گسترش می‌یابند و حرکت می‌کنند. ارگانسیم سایبری، این امکان را دارد تا به اطلاعات تبدیل شود و در قالب فایل‌های صوتی، تصویری و متن، درون شبکه‌ی دیجیتال گسترش یابد. ارگانسیم سایبری، اشتراک‌پذیر است. اخلاق اشتراک، متعلق به ارگانسیم سایبری در وضعیت دیجیتال است. پول هندریکس^۱، در سال ۱۹۹۹، به نقش فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی^۲ در اشتراک دانش اشاره می‌کند. اما در مقاله‌ی او، مفاهیمی مانند شبکه‌های اجتماعی و شبکه‌های اشتراکی دانش، حضور ندارند. این نشان می‌دهد که چگونه نیروهای فناوری، با گسترش و پیشرفت، به تولید وضعیت پسادیجیتال و ارگانسیم‌های سایبری منجر شده‌اند که در ایجاد اخلاق اشتراک نقش دارند.

آرمین امیر (جامعه‌شناس) در صفحه اینستاگرامش در قالب رشته‌ای از استوری‌ها درباره وضعیت روحی و افسردگی مخاطب‌هایش نظرسنجی می‌کند (تصویر ۴). در این نظرسنجی مشخص می‌شود که تعداد بالایی از مخاطب‌هایش دچار رنج افسردگی هستند. بنابراین دست به اقدامی می‌زند تا مخاطب‌هایش در زمانی مشخص درون یک فضای دیجیتالی دور هم جمع شوند و با یکدیگر به گفت‌وگو بپردازند. در موردی دیگر مهدی خوبی (جامعه‌شناس) درصدد است تا مجموعه پادکست‌هایی را بر اساس دانش جامعه‌شناسی به اشتراک بگذارد (تصویر ۵). او نام پروژه‌اش را *راديو سوسائتي* می‌گذارد و این عنوان بیانگر سوبه‌های جامعه‌شناختی در پادکست‌های اشتراکی مهدی خوبی است. او در تلاش است تا دانش جامعه‌شناسی را به دانش قابل اشتراک تبدیل کند. در هر دو مورد آرمین امیر و مهدی خوبی، ما شاهد میل به اشتراک‌گذاری و رعایت اخلاق اشتراک در وضعیت پسادیجیتال هستیم. ما از «ضرورت به دانستن» به «ضرورت اشتراک کردن» رسیده‌ایم (Virkar et al., 2019). دانستن دیگر به تنهایی کافی نیست، بلکه باید دانستن را به دانشی دسترس‌پذیر برای همگان تبدیل کرد. در اینجا ما با یک گشودگی رادیکال مواجهیم.

¹ Paul Hendriks

² Information and communication technology



تصویر ۴. فراخوان یک جامعه‌شناس برای به اشتراک گذاشتن دانش جامعه‌شناسی در خدمت ساخت روابط عمیق. صفحه اینستاگرام آرمن امیر (جامعه‌شناس)



تصویر ۵. فراخوان دنبال کردن مجموعه پادکست‌هایی با عنوان رادیو سوسایتهای مهدی خوبی (جامعه‌شناس)

گشودگی رادیکال، به مرکز‌زدایی از روابط قدرت اشاره دارد. این گشودگی، دست‌یابی به دانش و روابط افقی را در آموختن گروهی ترویج می‌دهد (Peters, 2013: 241). گشودگی رادیکال مفهومی انتقادی است که فلسفه و اخلاق آموزش و یادگیری را دگرگون می‌کند. گشودگی رادیکال، در وضعیت پس‌ادیدیتال، در تنیدگی با نیروهای فناوری دیجیتال پدید آمده است. این گشودگی، موقعیت اخلاق سطحی را شکل می‌دهد. در سطح، نیروها درهم‌تنیده می‌شوند و موقعیت اشتراک موج‌های تأثیر پدید می‌آید. اخلاق سطحی، با ایجاد شرایط گشودگی در برابر دیگری، اخلاق عمیق را به چالش می‌گیرد.

انتشار در دهه دوم قرن بیست و یکم واقعاً یک «دنیای جدید شجاع» برای بسیاری از دانشگاهیانی است که کار خود را با ارسال دستی کپی مقالات به سردبیران دوردست در سراسر جهان آغاز کردند. اکنون، فعالیت محققان در توییتر و فیس‌بوک می‌تواند تأثیری قوی و فوری بر نحوه درک مقالات آن‌ها در قلمرو دیجیتال داشته باشد. این تأثیر توسط معیارهای جایگزین^۱ اندازه‌گیری می‌شود. فارغ از محدوده معیار سنتی سنجش میزان ارجاع به متن علمی، معیارهای جایگزین درباره این است که تا چه مقدار و تا چه حد کار محققان دیگران را به «صحبت» درباره تحقیقاتشان تشویق می‌کند. استدلال ما این است که در این «دنیای جدید شجاع»، محققان باید از اکوسیستم‌های نخبه‌گرایی گذشته خود خارج شوند و به‌طور کامل و شفاف با دنیای بزرگ‌تر تعامل داشته باشند. (Peters et al., 2016: 1420)

اخلاق عمیق بسته در برابر اخلاق سطحی باز قرار می‌گیرد. اخلاق عمیق بسته مربوط به اکوسیستم نخبه‌گرایی است در حالی که در اخلاق سطحی پنجره‌های نخبگی به‌سوی نیروهای موجود در شبکه گشوده می‌شود. اخلاقی سطحی گشوده می‌تواند امکان‌های تولید دانش به‌مثابه دارایی عمومی را به وجود آورد. اخلاق سطحی را باید اخلاق بیانگری در شبکه دانست. برای ارگانیزم سایبری اخلاق سطحی معادل میل و اراده معطوف به بیانگری است. بیانگری درون شبکه شکلی از کنش است (Bowden, 2020: 386).

وقتی کنشگر علمی درون شبکه به‌واسطه فناوری دیجیتال بیانگری می‌کند در حال تولید دانش به‌مثابه دارایی عمومی است. دست‌یافتن عموم به دانش و ایجاد تخیل دانش‌محور به

^۱ alternative metrics: معیارهای جایگزین درباره داده‌هایی هستند که در هنگام استفاده از و کنش با اطلاعات محاسبه می‌شوند؛ مانند میزان لایک، اشتراک‌گذاری‌ها، دالودها، کامنت‌ها و بازخوردها و بحث‌هایی که بر سر موضوع در شبکه‌های اجتماعی مانند ایکس (توییتر) شکل می‌گیرد.

ایجاد خرد جمعی منجر می‌شود. موقعیت دانش به‌مثابه دارایی عمومی به ایجاد فرهنگ‌های دانش (Peters et al., 2018) منجر شده است. فرهنگ‌های دانش درباره اراده‌های معطوف به تبدیل کردن دانش به دارایی عمومی و ایجاد خرد جمعی و گشودگی رادیکال هستند. فرهنگ به‌مثابه راه‌رسم تبدیل دانش به دارایی عمومی و تولید خرد جمعی معنی پیدا می‌کند. فرهنگ اشتراک‌گذاری، اخلاق اشتراک‌گذاری را ایجاد می‌کند. فرهنگ اشتراک‌گذاری، اخلاق اشتراک و خرد جمعی آن‌قدر در وضعیت پسادیجیتال دارای اهمیت هستند که نظام آموزش را تغییر داده‌اند (Peters & Jandrić, 2018; Jandrić, 2018).

نتیجه‌گیری

ما در وضعیت پسادیجیتال زندگی می‌کنیم. پسادیجیتال وضعیت استیلای فناوری دیجیتال بر وضعیت زندگی و تنیده شدن نیروهای انسانی با نیروهای فناوری است. در دوران پسادیجیتال امکان‌های ترکیب و تفاوت اهمیت دارند. داشتن ظرفیت ترکیب شدن و داشتن توانایی تولید تفاوت درون شبکه ارتباطی، مشخصه زندگی در وضعیت پسادیجیتال است. بنابراین، شبکه ارتباطی دارای حرکت و گذار از موقعیتی به موقعیت دیگر و در حال دگرگونی است. موتور محرک دگرگونی تولید موج‌های تأثیرگذاری و گرفتن موج‌های تأثیرگذار است. بنابراین، درون شبکه ارتباطی، پدیده‌ها دارای گشودگی به‌سوی یکدیگر هستند. بر این اساس، اخلاق در شبکه ارتباطی بر بنیان اخلاق تأثیرگذاری و تأثیرگیری است. اخلاق اشتراک موج‌های تأثیرگذار و دریافت موج‌های اشتراک شده را ما اخلاق سطحی نامیدیم هدف ما از این مقاله، بررسی اخلاق اشتراک در رابطه با کنشگران علوم انسانی به‌مثابه ارگان‌های سایبری درون شبکه ارتباطی بود. ما یک دوگانه اخلاقی مهم را بین اخلاق عمیق و سطحی شناسایی کردیم. اخلاق عمیق شکل بسته و شدت تعهد به یک ساختار تاریخی است، درحالی‌که اخلاق سطحی، شکل گشوده به‌سوی دگرگونی و تولید موقعیت متفاوت است. اخلاق سطحی گشوده درون شبکه وجود دارد، زیرا پدیده‌ها به‌سوی تأثیرگذاری و تأثیرگیری از یکدیگر گشوده هستند. از این‌رو، کنشگر علوم انسانی درون شبکه ارتباطی، زمانی که بیانی از علم را با هدف تولید دانش برای دریافت‌کنندگان تولید می‌کند و به اشتراک می‌گذارد، از اخلاق عمیق ساختار نخبه‌گرایی و جایگاه دانشگاهی به‌سوی اخلاق سطحی گشوده برای دیگری حرکت می‌کند.

اشتراک دانش به تولید دانش به‌مثابه دارایی عمومی تبدیل می‌شود. تأثیر بر خرد جمعی و ایجاد ظرفیت برای دگرگونی در آینده، کنشگران علم را به ایجاد اخلاق اشتراک ترغیب می‌کند. فرهنگ‌های دانش در پیوند با راه‌ورسم حضور در موقعیت کنشگری علمی به وجود می‌آیند. فرهنگ‌های دانش درباره راه‌ورسم و ارزش‌های تولید دانش به‌مثابه دارایی عمومی و دریافت آن هستند. اخلاق اشتراک را می‌توان اخلاق بیانگری به‌مثابه کنش دانست. اخلاق بیانگری به‌واسطه تنیدگی نیروهای انسانی با نیروهای فناوری پدید آمده‌اند.

در نتیجه، وقتی به کنشگران علوم انسانی ایرانی در شبکه ارتباطی نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که اخلاق اشتراک در بین آن‌ها پدید آمده است. این اخلاق، کنشگران علوم انسانی را به بیانگری از دانش و اشتراک آن با دریافت‌کنندگان ترغیب می‌کند. موقعیت تولید دانش به‌مثابه دارایی عمومی در فرهنگ پسادیجیتال ایران پدید آمده است. کنشگران علوم انسانی در قالب تولید فایل‌های تصویری، صوتی و متن، دانش را درون شبکه در قالب دارایی عمومی عرضه می‌کنند. شکل‌گیری اخلاق اشتراک در بین کنشگران علوم انسانی، دگرگونی آن‌ها را نشان می‌دهد. این دگرگونی، خروج کنشگران علوم انسانی از اخلاق عمیق موجود در ساختار دانشگاهی و نخبه‌گرایانه به سوی اخلاق سطحی گشوده است. بیانگری درون شبکه ارتباطی، پیوندی دگرگون‌کننده را بین اخلاق عمیق و اخلاق سطحی ایجاد می‌کند. در درون شبکه، اخلاق عمیق و اخلاق سطحی درهم‌تنیده می‌شوند و درون یکدیگر جریان پیدا می‌کنند.

به یکدیگر رسیدن اخلاق عمیق و اخلاق سطحی حاصل شبکه‌ای شدن نظام اجتماعی روابطی است که نیروهای غیرانسانی در آن نقش عاملیت را به دست آورده‌اند. نیروهای غیرانسانی دیجیتال عامل نزدیک شدن نیروهای انسانی به یکدیگر هستند، در حالی که آن‌ها پیش از این برای نزدیک شدن به هم یا در مجاورت هم قرار گرفتن امکان‌های دسترسی محدودی به یکدیگر داشتند. نیروهای انسانی علوم اجتماعی و انسانی وقتی در قالب نیروی دانشگاه موقعیت سوژگی پیدا می‌کنند می‌بایست درون آن موقعیت اداری فعالیت‌های خود را تعریف کنند و زبان علمی دقیق را به کار بگیرند. چرخه تولید علم درون ساختارهای دانشگاه و به زبان علمی تخصصی به جریان می‌افتد. این به معنای خارج شدن مردم فرهنگ‌عامه از چرخه انسان‌های دانشگاهی (بورديو، ۱۴۰۱) فرهنگ تخصصی علمی است.

اما اگر انسان دانشگاهی نخبه بتواند چرخش‌هایی را در زبان علمی تخصصی به وجود آورد تا امکان تولید محتوای علمی و تحلیلی برای مردم فرهنگ‌عامه پدید آید به چه فضای اشتراکی

نیاز دارد؟ پاسخ به این پرسش در شبکه‌های اجتماعی نهفته شده است. یوتیوب، ایکس و اینستاگرام هرکدام توانایی‌هایی دارند که می‌توانند شرایط تولید فضای اشتراکی را فراهم کنند. انسان دانشگاهی نخبه و مردم فرهنگ‌عامه درون چنین شبکه‌های ارتباطی در مجاورت همدیگر قرار می‌گیرند. شکل‌گیری اخلاق اشتراکی علم حاصل تنیده شدن نیروهای انسانی با نیروهای غیرانسانی فناوری دیجیتال است.

بنابراین، وقتی نیروها در مجاورت هم قرار می‌گیرند شریان‌های ارتباطی بین آن‌ها شکل می‌گیرند و امکان‌های تنظیم پیوندهای جدیدی از روابط پدید می‌آید. در شبکه‌های اجتماعی دیجیتال امکان‌های جدیدی از پیوند زبان تخصصی علم با زبان فرهنگ‌عامه رقم خورده است و این پیوند زبانی در علوم اجتماعی و انسانی وجوه کارکردی بیشتری را در نسبت به سایر علوم مانند مهندسی نشان می‌دهد. از این‌رو، علوم اجتماعی و انسانی بیرون از دانشگاه مخاطب‌های تازه‌ای را از درون فرهنگ‌عامه پیدا کرده که شرایط برانگیختن انگیزه برای تولید اطلاعات آگاهی‌بخش برای دیگری را ممکن کرده است.

اما چقدر زبان تخصصی علوم اجتماعی و انسانی که می‌توانند علیه باورها، ایدئولوژی‌ها و عادت‌واره‌ها نقادانه وارد بشوند را می‌توان در جریان پیوند با فرهنگ عامه قرار دارد؟ فرهنگ‌عامه مملو از باورها، ایدئولوژی‌ها و عادت‌واره‌هایی است که پتانسیل پوپولیستی در آن وجود دارد. ویژگی پوپولیستی فرهنگ‌عامه در برابر نقد و شکستن حقیقت‌های تاریخی به نفع حقیقت‌های تازه می‌ایستد. نیروهای انسانی نخبه علوم اجتماعی و انسانی وقتی درون شریان‌های شبکه‌های اجتماعی درباره زندگی اجتماع می‌نویسند چنانچه در جهت نقد آن باشد به ایجاد موج‌های پوپولیستی علیه نقد دامن می‌زنند و این چالش انتقال اخلاق عمیق علمی به اخلاق سطحی نوشتن برای فرهنگ‌عامه است. همچنین، اگر نوشتن علوم اجتماعی و انسانی به‌طور مکرر در جهت تأیید ارزش‌ها، باورها و عادت‌واره‌های فرهنگ‌عامه باشد شرایط پدید آمدن سلبریتی از انسان نخبه علوم اجتماعی و انسانی و رفتن به درون فرهنگ هواخواهی را منجر می‌شود. بدین‌سان، مجاورت نیروهای علوم اجتماعی و انسانی نخبه با مردم در فرهنگ‌عامه امکانی پیچیده از نوشتن از اجتماع برای اجتماع در نزد فرهنگ‌عامه است.

جدول ۱. مفاهیم تحلیلی استخراج شده از مقاله و تعریف آن‌ها.

ارگانسیم‌های سایبری، ترکیبی از نیروهای انسانی و فناوری دیجیتال هستند که در وضعیت پسادیجیتال وجود دارند. آن‌ها درون شبکه‌های ارتباطی دیجیتالی بیانگری می‌کنند و دانش را به‌مثابه دارایی عمومی تولید می‌کنند.	ارگانسیم‌های سایبری
بیانگری، عمل تولید و اشتراک اطلاعات در شبکه‌های ارتباطی دیجیتال است. بیانگری، ارگانسیم‌های سایبری را به یکدیگر متصل می‌کند و دانش را در شبکه گسترش می‌دهد.	بیانگری
دانش به‌مثابه دارایی عمومی، دانشی است که برای عموم قابل‌دسترس است و می‌تواند توسط هر کس استفاده شود. بیانگری ارگانسیم‌های سایبری، دانش را به‌مثابه دارایی عمومی تبدیل می‌کند.	دانش به‌مثابه دارایی عمومی
اخلاق اشتراک، میل به اشتراک گذاشتن دانش با دیگران است. اخلاق اشتراک، در وضعیت پسادیجیتال، به گسترش دانش به‌مثابه دارایی عمومی کمک می‌کند.	اخلاق اشتراک
گشودگی رادیکال، به مرکززدایی از روابط قدرت و ایجاد دسترسی برابر به دانش اشاره دارد. گشودگی رادیکال، زمینه‌ساز تولید دانش به‌مثابه دارایی عمومی است.	گشودگی رادیکال
اخلاق سطحی، اخلاق بیانگری در شبکه است. اخلاق سطحی، با گشودگی رادیکال، به تولید دانش به‌مثابه دارایی عمومی کمک می‌کند.	اخلاق سطحی
خرد جمعی، دانشی است که از طریق تعاملات و مشارکت‌های جمعی تولید می‌شود. بیانگری ارگانسیم‌های سایبری، به تولید خرد جمعی کمک می‌کند.	خرد جمعی
فرهنگ‌های دانش، مجموعه‌ای از ارزش‌ها، باورها و شیوه‌های عمل هستند که بر تولید و اشتراک دانش تأثیر می‌گذارند. فرهنگ‌های دانش، در وضعیت پسادیجیتال، بر تولید دانش به‌مثابه دارایی عمومی تأکید دارند.	فرهنگ‌های دانش

جدول ۲. روابط بین مفاهیم استخراج شده از مقاله.

۱	ارگانسیم‌های سایبری و بیانگری، رابطه‌ای علت و معلولی دارند. بیانگری، عمل ارگانسیم‌های سایبری است.
۲	دانش به‌مثابه دارایی عمومی، نتیجه‌ی بیانگری است. بیانگری، دانش را به‌مثابه دارایی عمومی تبدیل می‌کند.
۳	اخلاق اشتراک و گشودگی رادیکال، رابطه‌ای همبستگی دارند. اخلاق اشتراک، بر گشودگی رادیکال تأکید دارد.
۴	اخلاق سطحی و گشودگی رادیکال، رابطه‌ای همبستگی دارند. اخلاق سطحی، با گشودگی رادیکال، به تولید دانش به‌مثابه دارایی عمومی کمک می‌کند.
۵	دانش به‌مثابه دارایی عمومی، خرد جمعی را ایجاد می‌کند. دانش به‌مثابه دارایی عمومی، زمینه‌ساز تولید خرد جمعی است.
۶	فرهنگ‌های دانش، بر دانش به‌مثابه دارایی عمومی تأکید دارند. فرهنگ‌های دانش، زمینه‌ساز تولید دانش به‌مثابه دارایی عمومی هستند.

منابع

- بورديو، پير (۱۴۰۱). *انسان‌دانشگاهی*، مترجم حسن چاوشیان. تهران: کتاب پارسه.
- Atton, C. (2002). *Alternative Media*. London: SAGE Publications Ltd.
- Boler, M., & Zembylas, M. (2016). Interview with Megan Boler :From “feminist politics of emotions” to the “affective turn”. In M. Zembylas & P. Schutz (Eds.), *Methodological advances in research on education and emotion* (pp. 203-214). Base: Springer.
- Bergson, H. (2001). *Time and free will: An essay on the immediate data of consciousness*. (F. L. Pogson, M.A., trans.). Mineola: DOVER PUBLICATIONS, INC.
- Barad, K. (2014). Diffracting diffraction: Cutting together-Apart. *Parallax*, 20(3): 168-178.
- Braidutti, R. (2019). *Posthuman knowledge*. Cambridge: Polity.
- Badiou, A. (2013). Twenty-Four Notes on the Uses of the Word “People”. In *What is a people?* (pp. 21-31), (Jody Gladding, trans.). New York: Columbia University Press.
- Berry, D. M. (2015). The Postdigital Constellation. In David M. Berry & Michael Dieter (eds.), *Postdigital aesthetics, art, computation and design* (pp. 44-57). London: PALGRAVE MACMILLAN.
- Bourdieu, Pierre. (2022). *Homo Academicus*, translated by Hassan Chavoshian. Tehran: Parseh Book. (In Persian)**
- Bowden, S. (2020). Assembling Agency: Expression, Action, and Ethics in Deleuze and Guattari’s A Thousand Plateaus. *The Southern Journal of Philosophy*, 58(3), 383–400.
- Deleuze, G., & Guattari, F. (1987). *A thousand plateaus: Schizophrenia and capitalism* (B. Massumi, Trans.). Minneapolis: University of Minnesota Press.
- Deleuze, G. (2001). *Pure immanence: essays on A Life*. (Anne Boyman, trans.). New York: Zoon Books.
- DeLanda, M. (2016). *Assemblage theory*. Edinburgh: Edinburgh University Press.
- Foucault, M. (2002). *The Order of things: An archaeology of the human sciences*. London: Routledge.
- Foucault, M (1980). *Power/Knowledge*. (C, Gordon, L, Marshall., J, Mephram. & K, Soper, Trans.). New York: Pantheon Books.
- Fuller, S., & Jandrić, P. (2018). The Postdigital Human: Making the History of the Future. *Postdigital Science and Education*, 1(1), 190–217.
- Hendriks, P. (1999). Why share knowledge? The influence of ICT on the motivation for knowledge sharing. *Knowledge and Process Management*, 6(2), 91–100.
- Jandrić, P., Knox, J., Besley, T., Ryberg, T., Suoranta, J., & Hayes, S. (2018). Postdigital science and education. *Educational Philosophy and Theory*, 50(10), 893–899.
- Knox, J. (2019). What Does the ‘Postdigital’ Mean for Education? Three Critical Perspectives on the Digital, with Implications for Educational Research and Practice. *Postdigital Science and Education*, 1(2), 357–370.
- Knox, J. (2019). What Does the ‘Postdigital’ Mean for Education? Three Critical Perspectives on the Digital, with Implications for Educational Research and Practice. *Postdigital Science and Education*, 1(2), 357–370.

- Michael A. Peters, Petar Jandrić, Ruth Irwin, Kirsten Locke, Nesta Devine, Richard Heraud, Andrew Gibbons, Tina Besley, Jayne White, Daniella Forster, Liz Jackson, Elizabeth Grierson, Carl Mika, Georgina Stewart, Marek Tesar, Susanne Brighthouse, Sonja Arndt, George Lazaroiu, Ramona Mihaila, Catherine Legg & Leon Benade. (2016). towards a philosophy of academic publishing. *Educational Philosophy and Theory*, 48:14, 1401-1425.
- Masny, D. (2016). Problematizing Qualitative Research: Reading a Data Assemblage With Rhizoanalysis. *Qualitative Inquiry*, 22(8), 666-675.
- Peters, M. A. (2013). The Cconcept of radical openness and the new logic of the public. *Educational Philosophy and Theory*, 45:3, 239-242.
- Peters, M. A., Besley, T., & Jandrić, P. (2018). Postdigital Knowledge Cultures and Their Politics. *ECNU Review of Education*, 1(2), 23-43.
- Peters, M. A., & Jandrić, P. (2018). Peer Production and Collective Intelligence as the Basis for the Public Digital University [Not available separately]. *The Creative University*, 153-171.
- Jandrić, P., Jeremy Knox, Tina Besley, Thomas Ryberg, Juha Suoranta & Sarah Hayes (2018) Postdigital science and education. *Educational Philosophy and Theory*, 50:10, 893-899,
- Trnka, R., & Lorencová, R. (2016). *Quantum anthropology: Man, cultures, and groups in a quantum perspective*. Karolinum Press.
- Virkar, S., Edelmann, N., Hynek, N., Parycek, P., Steiner, G., & Zenk, L. (2019). Digital Transformation in Public Sector Organisations: The Role of Informal Knowledge Sharing Networks and Social Media. *Lecture Notes in Computer Science*, 60-72.